آینه

بهار

گفت‌وگو/ حمیدرضا جلایی‌پور: دولت برای برخورد با بحران‌سازها آماده باشد

من با ارزیابی آقای روحانی از احزاب که اخیرا در مراسم معرفی وزیر کشور مطرح شد، مخالفم. البته آشکار است که پاره‌ای از احزاب ایرانی، تشکل‌هایی موقتی هستند. مانند حزب آبادگران که تنها فعالیت انتخاباتی دارد و پس از پایان یک دور از انتخابات تا آغاز دور بعدی، به محاق می‌رود. اما نه ایشان و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند کتمان کند که در ایران تشکل‌های ریشه‌دار سیاسی نیز وجود دارد؛ تشکل‌هایی که صادقانه به سمت حزبی کردن جامعه مدنی حرکت می‌کنند. مهم‌ترین سنگ سر راه این احزاب، مخالفت‌ها و کارشکنی‌های دولت‌هاست. آقای روحانی باید بپذیرد همان‌طور که «ما» توانستیم در غنی‌سازی انرژی هسته‌ای موفق باشیم، می‌توانیم در حزبی اداره‌کردن جامعه هم موفق شویم... انتقاد به بعضی از وزرای دولت یازدهم آن هم از سوی مجلسی که هشت‌سال با هر اقدام تخریبی دولت گذشته ساخت، غیرمعقول است... آقای روحانی در جریان انتخاب اعضای کابینه‌اش، ناچار شد برخلاف خواست شخصی‌اش و انتظاری که مردم از او داشتند، تا حدودی کوتاه بیاید... آنچه دولت یازدهم را ضعیف می‌کند، مخالفت افراطی‌ها نیست، این دولت را از دست دادن عقبه اجتماعی‌اش ضعیف می‌کند... هاشمی سال‌های سازندگی را باید از هاشمی سال‌های اخیر جدا دانست... در شرایطی که دولت اعتدال‌گرا جای سیاست‌های افراطی را می‌گیرد، زمینه برای اصلاح‌طلبی در جامعه گسترش پیدا می‌کند.

اعتماد

گفت‌وگو/ نقشه راه عبدالله نوری برای اصلاح‌طلبی

باید کمی صبر کرد و با دقت اوضاع و تحولات را رصد کرد. من نسبت به عملکرد سیاست خارجی و اقتصادی دولت آقای روحانی خوشبین هستم و امیدوارم در این حوزه‌ها انشاءالله به مرور گشایش ایجاد شود. البته کار بسیار دشوار و پیچیده‌ای در پیش است. یعنی احساس می‌کنم یک نگرانی مشترکی وجود دارد که همه در جهت حل آن گام برخواهند داشت. موردی که می‌تواند دغدغه ذهنی ما باشد سیاست داخلی و مسایل تامین آزادی‌ها و بحث‌های امنیتی است که باید دید چه اتفاقی می‌افتد... من امیدوارم از این پس چهره‌ای که از ایران در دنیا نشان داده می‌شود یک چهره تهاجمی، بحران‌آفرین و خطرساز نباشد و به‌نظرم این اتفاق با شیب ملایم رخ داده است و الان احساس می‌کنیم که همه کشورها احساس آرامش می‌کنند. تنها کشوری که به نظر می‌رسد از انتخاب آقای روحانی عصبانی باشد، اسراییل است... اگر در سایه نتیجه این انتخابات، اصلاح‌طلبان موفق شوند یک سازمان و تشکیلات منسجم و قدرتمند در سطح کشور ایجاد کنند، پیروز این انتخابات بوده‌اند.

کیهان

«مگر شما برای تغییر دولت خون به پا نکردید؟!»

«مردم در انتخابات ایران کاری کردند که در کشورهای دیگر برای آن باید خون‌ها ریخته شود»

این مطلب را هاشمی‌رفسنجانی در مراسم روز پزشک در تالار وزارت کشور عنوان کرد... جریان فتنه از آغاز دولت احمدی‌نژاد بنای تخریب و زمین زدن وی را داشت و در این‌باره از هیچ چیز دریغ نکرد و متاسفانه آقای هاشمی نیز در این مسیر از سوی همان جریان آلوده به بازی گرفته شد... دخالت برخی اعضای خانواده آقای هاشمی در فتنه‌انگیزی‌های زنجیره‌ای و متعاقبا پیگرد حقوقی آنها را نباید به پای احساس ناامنی از سوی مردم نوشت و این در حالی است که همین افراد به انضمام سازمان فتنه، برای ماه‌ها فضا را برای زندگی مردم ناامن کرده و دشمنان نظام و انقلاب را برای هتاکی و ساختارشکنی، جسور کردند.

رسالت

سرمقاله: « ادب و آیین رقابت»؛ محمدکاظم انبارلویی

اصولگرایان اکنون مشغول آسیب‌شناسی عدم توفیق خود در رقابت‌های انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری و نیز انتخابات شوراهای اسلامی هستند. آیت‌الله یزدی رییس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم یکشنبه گذشته از برنامه‌های این جامعه برای جذب اعضای جدید و حبیب‌الله عسگراولادی از تجدید سازمان اصولگرایان و رونمایی از کادرهای ورزیده و جوان این جریان خبر داد. تلاش‌هایی دارد صورت می‌گیرد که آینده روشن و شفافی را نوید می‌دهد... قرار بود اصولگرایان براساس اصولی که معتقدند، تولید قدرت را به‌عنوان بسط ید ولایت‌فقیه در جامعه نگاه کنند. اما... کشمکش و عدم‌تحمل یکدیگر از یک سو و مدیریت اختلافات اصولگرایان توسط برخی نفوذی‌ها و اغیار باعث شد روند واگرایی و اختلاف شدت بگیرد و اصولگرایان با چهار ضلع متفاوت و متنافر در انتخابات شرکت کنند، رقابت با حریف را فراموش کنند و باهم رقابت، آن هم رقابت منفی کنند.

قانون

گفت‌وگو/ عبدالرضا داوری: احمدی‌نژاد به حاکمیت باز نمی‌گردد

احمدی‌نژاد محبوب‌ترین چهره سیاسی ایران است. این را به این دلیل می‌گویم که اگر به گزینه مورد نظر آقای احمدی‌نژاد یعنی آقای مشایی اجازه حضور در انتخابات داده می‌شد شما وسعت این محبوبیت را می‌دیدید... آقای هاشمی‌چون جزیی تفکیک‌ناپذیر از نظام جمهوری اسلامی بود و است بعد از ریاست‌جمهوری در پست دیگری در حاکمیت جابه‌جا شدند و آقای خاتمی‌هم چون متعلق به پایگاه روشنفکران و بوروکرات‌ها بودند حلقه‌ای را به نام بنیاد باران تشکیل دادند و به همان طبقه برگشت اما احمدی‌نژاد نه در حاکمیت خواهد بود و نه حلقه‌ای تشکیل می‌دهد. او به دانشگاه بر می‌گردد و از طریق نهاد دانشگاه با بطن جامعه در ارتباط خواهد بود.

فائزه هاشمی در گفت‌وگو با «شرق»:

رای دادم تا «خودرای» نباشم

شرق، آمنه شیرافکن: کابینه حسن روحانی رونمایی شده و نام هیچ زنی در هیات وزیران نیست. «فائزه هاشمی» می‌گوید: «سالی که نکوست از بهارش پیداست.» دختر «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» تاکید دارد که هیچ دولتی نتوانسته زنان را در جایگاه اصلی‌شان قرار دهد و امیدوار است که حسن روحانی بتواند برخی تابوهای انتصاب زنان در جایگاه‌های کلیدی را بشکند. تصمیم انتخاباتی فائزه در دقایق ۹۰ تغییر کرده، خیلی صریح می‌گوید که چندان به نتیجه انتخاباتی و پیروزی روحانی امیدوار نبوده. او انتخاب وزیر زن را نه یک لطف سیاسی که یک حق طبیعی می‌داند و تاکید دارد که روسای جمهوری باید در این زمینه پاسخگو باشند. البته نقدش علاوه بر دولت متوجه خود زنان است، آنجایی که سمت‌هایی به زنان پیشنهاد می‌شود و آنها از پذیرش آن سر باز می‌زنند. اما خودش وقتی می‌پرسیم، آماده پذیرش پستی در دولت روحانی هستید، بی‌هیچ رودربایستی می‌گوید: «اگر برای کارهای دولتی پیشنهادی شود و در توانم باشد، حتما انجام می‌دهم.» تقریبا در تمام رشته‌های ورزشی دستی بر آتش دارد و به رییس‌جمهوری برای ورزش بانوان برنامه داده. در سخن گفتنش شتاب عجیبی دارد، چنانچه گاهی ذهن مخاطب از سرعت چینش کلمه‌ها باز می‌ماند. در ورودی خانه‌اش میزبانمان می‌شود، با روسری آبی و «چادر رنگی». پشت سرش تصاویر خانوادگی ردیف شده. تصویری از مراسم فارغ‌التحصیلی‌اش در یکی از دانشگاه‌های انگلیس و آن‌سوتر عکسی از دختر و نوه‌اش. تصاویر دیگری از دو فرزندش با آیت‌الله هاشمی و خواهر و برادرها. خاطرات خوشی از حضور در زندان دارد و تاکید دارد که بیشترین «کدبانویی»اش را در زندان انجام داده. در روزهای حضورش در اوین دیدارش با اعضای خانواده بیشتر از همیشه بوده، همه سر وقت ملاقات حاضر می‌شدند و او هم فارغ از زندگی روزمره شلوغ، میزبان آنها بوده. به کنایه می‌گوید: «بیشتر از همیشه با اعضای خانواده در ارتباط بودم.»

عکس: امیر جدید، شرق

چند روز مانده به انتخابات در یکی از نشست‌های «هم‌اندیشی زنان» در «حزب اسلامی کار» دیدمتان، نظرات دیگری داشتید چه شد که یک‌باره به رای‌دادن روی آوردید؟

خیلی پیچیده نبود، موج عمومی ایجاد شد و آن موج و حمایت از آقای روحانی کافی بود که تصمیم من هم عوض شود. فکر کردم در این شرایط «خودرایی» نداشته باشم. در خیلی‌ها امیدی زنده شده بود.

یعنی همه چیز در همین یکی دو روز اتفاق افتاده، به نظرتان خیلی فی‌البداهه نبوده، اینکه یک روز مانده به انتخابات تغییر رای دادید؟

به هر حال من یک روز قبل از انتخابات بیانیه‌ای دادم که سایت«انتخاب» آن را منتشر کرد و فردایش هم رای دادم. برایم راضی‌کننده نبود که بخواهم علیه اراده مردم عمل کنم. هدفم این بود که «خودرای» نباشم.

برای تصحیح این موضعگیری، توصیه‌ای به شما شده بود؟

ممکن است یکی، دو نفر از دوستان ناراحت بودند و خب حرف‌هایی می‌زدند، ولی اینکه از طرف خانواده یا دیگران توصیه‌ای شده باشد، اینطور نبود.

طی این سال‌ها تا به حال چنین موضعی داشتید؟

من از عنوان تحریم استفاده نکردم. گفته‌ام که فضای مناسبی برای رای‌دادن نمی‌دیدم.

خب البته این حرفتان باز هم می‌شود همان.

حالا تفسیرها از این مفهوم متفاوت و شخصی است، امیدوارم تغییر و تحولی اتفاق بیفتد و اعتماد عمومی افزایش یابد.

به هر حال بنا بر رای‌دادن نداشتید، دلیلتان چه بود؟

فکر می‌کردم رای من کارکردی ندارد.

شما در مجلس پنجم رای اول را داشتید. در مجلس ششم وقتی شما رای‌نیاوردید وارد یک «قهر سیاسی» شدید. بعد هم که اوضاع سیاسی بر وفق مراد نبود، مدتی بنای عدم شرکت گذاشتید، فکر نمی‌کنید این رفتارتان در حوزه سیاست آماتوری است؟

من این دو تا را با هم مقایسه نمی‌کنم. اولی بله، احساسی و عاطفی بود. یعنی رای‌نیاوردن خودم و آن چیزی که شما گفتید. ولی در مورد عدم شرکت این دو تا را قبول ندارم، چون در دو روز تصمیم به رای‌ندادن نگرفتم، بلکه در طول چهار سال به این نتیجه رسیدم. بنابراین این رفتار را عکس‌العمل سریع نمی‌دانم. ممکن است آماتوری بوده اما سریع و بدون تامل نبوده. اما در مورد اینکه تصمیم گرفتم که رای بدهم، آن هم فقط به این خاطر بود که تردید داشتم، راستش در عین تردید رای دادم. وقتی که آرا اعلام شد، راستش تا مدتی شوکه بودم.

یعنی با گذشت سال‌ها پخته‌تر شده‌اید؟

انسان همیشه یک تفکر ندارد و طبیعی است که در طول زمان پخته‌تر شود. البته من نمی‌گویم که مسیر تفکر سیاسی‌ام عوض شده، تفکرم همان بود. اصلاح‌طلب بودم و باقی ماندم.

گفته بودید دختر آیت‌الله هاشمی بودن در رای آوری‌تان در مجلس تاثیرگذار بوده، اما عده‌ای به شعارهای شما رای‌دادند. از جمله شعارهای‌تان پیرامون مباحث حقوق زنان و به خصوص در مورد «دوچرخه‌سواری». فکر نمی‌کنید پا پس کشیدن از حضور در انتخابات مجلس، یک‌جور عدم‌خوانش درست از جانب شما درباره رایتان بود؟ قهرتان پس از شکست در انتخابات مجلس ششم یک‌جور خودخواهی نبود؟

اول باید حرف شما را اصلاح کنم، من هیچ‌وقت نگفتم که رای من به خاطر دختر هاشمی بودن بوده.

البته این حرف‌ها به نقل از شما در سایت‌ها آمده و مستند است.

ببینید، من گفتم که هر دو موثر بود. هم عملکرد خودم و هم دختر آقای هاشمی بودن. آن چیزی هم که شما می‌گویید همین است. ولی معتقدم که دختر آقای هاشمی بودن هم تاثیرگذار بوده. از یک دوره پیش از نمایندگی مجلس، وارد مسایل فرهنگی و اجتماعی شدم و عملکردی هم داشتم و جامعه و افکارعمومی هم تاثیرش را دید. این نبود که بگویم در آینده تاثیرگذار است. تاثیرش مشخص بود و نتیجه داد. بنابراین آنهایی که به من رای‌دادند به خاطر خودم و عملکردم به من رای‌دادند. البته هیچ‌گاه شعار «دوچرخه‌سواری» نداشتم.

اما حضور انتخاباتی شما برای خیلی‌ها یادآور این مساله است.

«دوچرخه‌سواری» شعار مخالفان من بود. مخالفانم دو سال پیش از شرکت در انتخابات مجلس این شعار را مطرح کردند، آن هم به خاطر اینکه در مدیریت ورزشی بودم. آقای کرباسچی شهردار تهران بود، بحث دوچرخه‌سواری از سوی ایشان مطرح شد. سمیناری در پارک چیتگر برگزار شد که دوچرخه را به عنوان یک وسیله حمل‌ونقل مورد ارزیابی قرار دهند. از من هم دعوت کردند که سخنرانی کنم. در آنجا تاکید کردم، دوچرخه‌سواری برای زنان ایراد شرعی ندارد. اگر قرار است دوچرخه وسیله حمل‌ونقل باشد، نمی‌توان انتظار داشت که فقط مردان از آن، استفاده کنند. چون شهر از مردان و زنان تشکیل می‌شود و باید برای دوچرخه‌سواری زنان نیز فرهنگ‌سازی شود. دو سال بعد از آن، کاندیدای مجلس شدم. همین افراد، لباس‌شخصی‌ها و گروه‌های فشار بحث دوچرخه‌سواری را مطرح کردند، اینکه چون فائزه هاشمی گفته دوچرخه‌سواری زنان مشکلی ندارد، بی‌دین است و از این صحبت‌ها. آنها تاکید داشتند که دوچرخه‌سواری زنان حرام است. اینگونه خواستند که من را تخریب کنند تا رای نیاورم.

اما مانند همه ضد تبلیغ‌ها، این ضد تبلیغ هم به نفع شما شد؟

بله، این مصداق همان ضرب‌المثل فارسی است. این مساله از جانب آنها در بوق و کرنا شد و به عنوان یک نقطه ضعف برای من مطرح شد.

البته منعی برای دوچرخه‌سواری خانم‌ها وجود ندارد اما همین حالا هم هیچ‌کدام از «خانه‌های» دوچرخه شهرداری در سطح شهر به خانم‌ها دوچرخه امانت نمی‌دهند، یا در سایر استان‌ها گاهی با خانم‌های دوچرخه‌سوار هم برخورد می‌شود.

بله، اینها البته آن موقع نبود، امسال هم آنقدر مسایل مهم‌تر و حیاتی‌تر زندگی روزمره زنان را به چالش کشیده که فعالان حقوق زنان چندان فرصت نداشتند روی این موضوع متمرکز شوند. به هرحال موضوع«دوچرخه»توسط مخالفانم به موجی تبدیل شد که من هم از آن استقبال کردم.

حالا با این تفاسیر، خودتان اصلا اهل دوچرخه‌سواری هستید؟

بله، گاه‌گداری. البته بیشتر ورزش‌ها را کار می‌کنم بسکتبال، بدمینتون، شنا، سوارکاری و....

مجلس ششم شروع افول سیاسی آیت‌الله هاشمی بود. فکر نمی‌کنید بخشی از رای‌نیاوردن شما ریشه در همین مساله داشت؟

ترجیح می‌دهم در این زمینه صحبتی نکنم چون از طرف برخی سوءاستفاده‌می‌شود.

از تجربیات مجلس پنجم بفرمایید، به‌ویژه خط‌کشی‌هایی که آن روز میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان وجود داشت، وضعیت چقدر با امروز متفاوت بود؟

در مجلس پنجم اصولگرایان و اصلاح‌طلبان مقابل هم نبودند. نزدیک بودند. در انتخابات مجلس پنجم، صحبت این بود که کارگزاران با جامعه روحانیت یکی شوند و پنج نفر از کارگزاران را در فهرستشان بگذارند. آن زمان هنوز اصلاح‌طلب و اصولگرا آنقدر روبه‌روی هم قرار نگرفته بودند. این دو طیف نزدیک‌تر بودند و نقطه اشتراکشان هم بیشتر بود. در حالی که در مجلس پنجم اصلاح‌طلبان اقلیت قوی داشتند. یعنی ما حدود ۹۰نفر بودیم و در برخی لابی‌ها به ۱۱۰ و ۱۲۰نفر هم می‌رسیدیم؛ با توجه به موضوع گاهی هم بخشی از اصولگرایان به اصلاح‌طلبان می‌پیوستند. بنابراین مجلس قوی بود. تعداد زنان هم در تاریخ بهارستان بیشترین تعداد بود، یعنی ۱۴ نفر. با خانم‌های اصولگرا روابط دوستانه‌ای داشتیم. در مجموع محیط خوبی بود. در بسیاری از شاخصه‌ها بهترین مجلس بود. آقای «ناطق نوری» رییس بودند و مجلس را خوب اداره می‌کردند. ایشان با خانم‌های مجلس همراه بودند.

نماینده شدن چه چیزهایی بر زندگی‌تان افزود؟

راستش را بخواهید، وقتی وارد فعالیت سیاسی می‌شوی، محدودتر می‌شوی و فشارها و نگاه‌ها از همه جهت سنگینی می‌کند. وقتی نماینده هستی، همه چیز سیاسی است و حساسیت‌ها در مورد کلمه کلمه حرف‌های تو بیشتر می‌شود.

اما نماینده‌شدن شبکه‌ای از روابط اجتماعی و سیاسی در اختیار شما قرار می‌دهد. در مجلس با بسیاری از خانم‌ها هم‌مسیر شدیم و هنوز هم سطحی از تعامل و روابط دوستانه برقرار است.

شاید به خاطر این بوده که تجربه نخستتان بوده، اگر تکرار می‌شد، شاید این فشارها کمتر می‌شد؟

بله، به همین خاطر تاکید دارم که نمایندگی مجلس کمتر از دو دوره، بی‌معناست، در دوره نخست، افراد بیشتر گیج هستند و دوسالی طول می‌کشد که امور مجلس دستشان بیاید.

گویا در پایان‌نامه‌تان هم به مسایل حقوق زنان پرداخته‌اید؟

در پایان‌نامه فوق‌لیسانسم به نابرابری دیه، حضانت، حق طلاق و ارث میان زنان و مردان پرداخته‌ام که ایده اصلی‌اش هم از کارهای جسته و گریخته در روزنامه زن به ذهنم رسید.

شما رییس فدراسیون اسلامی بانوان بودید، تعطیلی این فدراسیون به بهانه کمبود اعتبار بود، اما گویا در پس آن دعواهای سیاسی پنهان بود؟

بله، البته دعوای سیاسی آقای احمدی‌نژاد با ما بود. کار اشتباهی هم بود. بودجه ما ۴۰، ۵۰میلیون‌تومان بیشتر نبود، اما بحث سیاسی بود. آقای هاشمی‌طبا، هم همان موقع مصاحبه کردند که چرا فدراسیون را تعطیل کردید، خب «فائزه هاشمی» را عوض می‌کردید. تعطیلی فدراسیون یک بی‌مهری صرف بود که حالا نمی‌خواهم وارد آن شوم.

آقای روحانی کابینه خودشان را معرفی کردند، با وجود وعده‌های ایشان برای تشکیل وزارت زنان و بهره‌مندی از توانایی آنها در کابینه، حتی یک وزیر زن هم در کابینه ایشان نبود؛ آیا می‌توان کماکان به وعده‌های آقای روحانی خوش‌بین بود؟

خب بر اساس خبرهایی که به ما رسیده بود، می‌دانستیم بین وزرا خانم نیست. متاسفانه این نگاه غالب در جامعه ما است و احمدی‌نژاد با همه خلأها و قصورها در حوزه زنان در ابعاد شکلی و ماهوی، تاثیرگذار بود. به هر شکل او تابوی انتصاب وزیر زن در کابینه‌اش را شکست و چندین معاون زن در کابینه‌اش منصوب کرد، همان کاری که تا به اینجای کار، آقای روحانی از تکرارش بازمانده.

البته خیلی‌ها همین کار آقای احمدی‌نژاد را نمایش می‌دانستند؟

من این را نمایش نمی‌دانم. ولی اگر حتی نمایشی هم بوده، یک اتفاق مثبت هم بود. همین‌که چند معاون زن و وزیر زن داشتیم، تصمیم خوبی است، البته تاکید دارم که نمی‌شود انواع برنامه‌های محدودکننده دولت او را نادیده گرفت و سخنم اینجا تنها به سطح ساختار، محدود می‌شود.

> **به نظر من قراردادن وزیر زن در کابینه یا معاونان زن، یک حق برای خانم‌هاست و روسای‌جمهور وظیفه دارند، در این زمینه پاسخگو باشند. بودن زن در کابینه باید یک حق طبیعی تلقی شود نه یک لطف سیاسی به زنان. در این بخش رویکرد من فمنیستی هم نیست، قرار ندادن زنان در قدرت، یک نگاه «مردسالارانه» است و باید اصلاح شود.**

به طور کلی کارنامه احمدی‌نژاد را در بخش زنان چطور ارزیابی می‌کنید؟

درباره این هشت سال باید بگویم که این دوران، بیشتر شعارزده بود تا واقعی. غالب مصوبات، طرح‌ها و لوایح پیشنهادی دولت و مجلس گامی به جلو نبود. از «لایحه حمایت از خانواده» گرفته تا «کاهش ساعت کاری زنان»، «سهمیه‌بندی جنسیتی» دانشگاه‌ها، «تفکیک»ها و... در ایران وزارت علوم، دختران را از تحصیل در برخی رشته‌های پول‌ساز و اشتغال‌آور محروم کرده و به جای آن به پسران امتیازهای ویژه اختصاص داده. سهمیه دختران در مهندسی و پزشکی کم می‌شود و به جای آن، پسران با رتبه‌های علمی پایین‌تر صندلی دختران در دانشگاه‌ها را اشغال می‌کنند. این هشت سال برای زنان جامعه ما در اوج توانایی و شایستگی؛ دورانی خاص بود. دوران درجازدن در شعار و ازدست‌دادن همان موقعیت‌های اندک پیشین. به همین خاطر کار آقای روحانی در پیگیری مطالبات زنان بسیار دشوار است، هشت سال گذشته در کنار خیلی از تعلل‌ها، در حوزه زنان، آسیب‌زا بوده و ترمیم و تصحیح آن، انرژی زیادی می‌طلبد.

این روزها خیلی‌ها حضور زنان در دولت آقای روحانی را به اشکال مختلف توجیه می‌کنند و باز هم مثل همیشه سر زنان بی‌کلاه مانده. موضع شخص شما برای حضور زنان در کابینه چیست؟

به نظر من قراردادن وزیر زن در کابینه یا معاونان زن، یک حق برای خانم‌هاست و روسای‌جمهور وظیفه دارند، در این زمینه پاسخگو باشند. نباید همینطور از این قضیه گذشت. بودن زن در کابینه باید یک حق طبیعی تلقی شود نه یک لطف سیاسی به زنان. در این بخش رویکرد من فمنیستی هم نیست، قرار ندادن زنان در قدرت، یک نگاه «مردسالارانه» است و باید اصلاح شود. متاسفانه وضعیتی در کشور ما باب شده که ما به انتصاب وزیر زن در کابینه هم به عنوان یک پدیده عجیب نگاه می‌کنیم. خداوند زن و مرد را با هم خلق کرده. زن و مرد در دیدگاه اسلام مکمل هم هستند و چه بهتر که در ساختار سیاسی، قدرت و اجتماع نیز این دو مکمل یکدیگر باشند اما بر اساس تجربه، نوبت به سهم زنان در قدرت که می‌رسد، انواع توجیه‌ها از سوی مردان حاضر در قدرت در بوق و کرنا می‌شود، یک روز زنان مشغول خانه‌داری‌اند و یک روز انسان‌های احساساتی، یک روز وقت کافی برای مدیریت ندارند و روز دیگر موقعیت کاری برای‌شان طاقت‌فرساست. اینها همه بهانه است، زن ایرانی انواع خدمت‌ها و مسوولیت‌ها را با هم هماهنگ کرده و در عین حال، کارنامه موثری از خود به نمایش گذاشته.

شما به هر حال از زنان حاضر در عرصه قدرت سیاسی بوده‌اید و تجربه نمایندگی مجلس دارید، آیا زنان ما اصول سهم‌خواهی را می‌دانند، یا همان ماجرای معروف «سقف شیشه‌ای» بالای سرشان قرار دارد؟

خانم‌های ایرانی هم لابی‌کردن می‌دانند و هم دیگر اصول را می‌شناسند اما متاسفانه اغلب مدیران ما نگاه «مردسالارانه» دارند و همین مردها قدرت را تقسیم می‌کنند. وقتی مساله زنان پیش می‌آید، همه با هم متحد می‌شوند. چون مردسالارانه رفتار می‌کنند. از لحاظ دینی هم این مساله وجود ندارد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در پاسخ به تقاضای تفسیر واقعی از کلمه «رجل» در مباحث سیاسی کشور، گفته‌اند؛ آیت‌الله شهید دکتر بهشتی که رییس مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی بود، بعدها اعلام کرد که منظور از کلمه «رجال سیاسی» اعم از زن و مرد است.

البته نکته دیگر اینکه در کنار تلاش برای حضور زنان در قدرت، ما نیازمند تفسیرهای به روز از شریعت اسلامی هستیم، فقه شیعه؛ فقه پویایی است و همگام‌شدن با زمان نیازمند تفسیرهای به‌روز از مسایل زنان است، شاید امروز مساله ریاست‌جمهوری زنان فانتزی به نظر بیاید، اما تا چند دهه آینده بدون شک زنان بسیاری خواهان حضور در موقعیت ریاست‌جمهوری هستند، بنابراین به همراهی نگاه جدیدی در فقه پویای شیعه نیازمندیم.

خب شما که می‌گویید زنان لابی‌کردن می‌دانند و خواهرتان - فاطمه هاشمی - هم در حزب اعتدال و توسعه همراه آقای روحانی هستند، در این زمینه چه کرده‌اید؟

حداقل پنج نفر زن توانمند به آقای روحانی معرفی کرده‌ایم که شایستگی معاونت و وزارت دارند، از خانم مرضیه دستجردی گرفته تا معصومه ابتکار، زهرا شجاعی، الهه کولایی و سهیلا جلودارزاده.

آیا در این مدت تیم مشورتی آقای روحانی با شما در تماس بوده‌اند؟

بله، ما در ورزش فعال بودیم، البته بیشتر خودمان وارد شدیم.

در بحث مشارکت سیاسی چطور؟ برای مثال با خانم داداندیش مشورتی داشتید یا اینکه پیشنهادی ارایه کرده باشید؟

بله با خانم «داداندیش» هم برای کارگروه زنان صحبت کردیم، اما به هر حال ایده من این است که تا به حال خانم‌ها نادیده گرفته شده‌اند. متاسفانه زن‌ها در ستادها و موقع رای‌دادن هستند ولی به پست و مقام که می‌رسد، مساله عدم توانایی بهانه می‌شود. عدم حضور زنان در کابینه بی‌عدالتی است. این حضور می‌تواند جامعه را رو به توسعه پیش ببرد. حتی خود خانم «داداندیش» هم به سادگی نمی‌توانند با آقای روحانی دیدار کنند؛ چه رسد به زنان در سایر سطوح.

شما عضو «حزب کارگزاران» بوده‌اید و تجربه کار حزبی دارید. آیا بنا دارید کار حزبی را جدی‌تر دنبال کنید؟

چنین فکری نکردم، اما تمایل دارم در آینده بیشتر در حوزه نهادهای مدنی فعالیت کنم و در توسعه «جامعه مدنی» در ایران تاثیرگذار باشم. توانمندسازی نهادهای مدنی و تمرین الفبای مشارکت اجتماعی در این سطوح اتفاقا برای زنان ما بسیار تعیین‌کننده است، فضای مدنی فرصت خوبی برای تمرین رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مدنی در متنی اجتماعی و صنفی است.

برنامه‌ای برای شرکت در انتخابات آینده مجلس دارید، یا اینکه مایلید در کابینه آقای روحانی سمتی بر عهده بگیرید؟

برای مجلس فکری نکرده‌ام، برای کارهای دولتی هم اگر پیشنهادی شود و در توانم باشد انجام می‌دهم. بخشی از مشکلات خانم‌ها همین است که اگر سمتی به آنها پیشنهاد شود، اغلب قبول نمی‌کنند یا شکسته نفسی می‌کنند، اما واقعیت سیاست و مشارکت سیاسی چیز دیگری است، زنان باید با تمام وجود توانایی خود را باور کرده و در سمت‌های سیاسی ایفای نقش کنند، بدون شک تجربه‌های نخست فعالیت در سمت‌های سیاسی توام با دشواری‌های زیادی خواهد بود اما تجربه در ساخت یک انسان سیاسی بسیار تعیین‌کننده است. معتقدم هر پیشنهادی می‌شود باید قبول کرد و از شرایط بهترین استفاده را برد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۳

نقش مصدق در توافق هسته‌ای

درمقایسه با تحریم‌های فعلی، تحریم‌های ۱۹۵۳ علیه ایران تقریبا اتفاقی شروع شد. آن تحریم‌ها به محض اینکه بریتانیا از شناسایی ملی‌کردن صنعت‌نفت ایران سر باز زد و با کاهش صادرات تقریبا به توقف آن کمک کرد، شروع شد. شرکت نفت ایران- انگلیس همه تکنیسین‌های ماهر خود از ایران را خارج کرد و این درحالی بود که دولت بریتانیا به‌دنبال فشار بیشتر برای توقیف دارایی‌های تهران، محدودکردن مبادلات ارزی و تحریم کالاهای صادراتی ایران بود. بریتانیا حتی ناوهای جنگی خود را در خلیج‌فارس برای تهدید مشتری‌های احتمالی ایران مستقر کرد. گذشته از کشتی‌های جنگی مستقر در خلیج‌فارس، همه این ترتیبات به شکل نگران‌کننده‌ای به تحریم‌های فعلی شباهت دارد. به‌محض اعمال تحریم‌ها، مصدق برای جلوگیری از وقوع فاجعه اقتصادی درصدد گسترش صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی به‌رغم قطع درآمدهای نفتی برآمد. در این دوره سعی می‌شد تاثیر تحریم‌ها با افزایش تولید در حوزه کشاورزی و تولیدات صنعتی محدود جبران شود. تهران با انتشار اوراق قرضه، کم‌کردن ارزش ریال برای افزایش توان صادرات و مقررات مالیاتی شدیدتر به جبران کمبود منابع درآمدی پرداخت. در بحران فعلی جمهوری اسلامی مجموعه وسیع‌تری از ابزارهای مقابله با تحریم‌ها را به کار گرفته است، اما طرح اصلی بازی برای مدیریت تحریم‌ها چندان با دوره مصدق متفاوت نیست. همانند رژیم تحریم‌های فعلی، تحریم نفتی نیز کارایی ویرانگر خود را به نمایش گذاشته است. آمریکا و بریتانیا دیدگاه‌های مختلفی نسبت به تحریم دارند.

واشنگتن در ابتدا نگران حفظ و ثبات‌بخشی ایران در مقابل شوروی و هرگونه بهانه‌سازی‌های آشوب‌برانگیز شوروی بود. این درواقع به این معنا بود که آمریکا سیاست خارجی خود درقبال تهران را کلا از لندن خط می‌گرفت. در زمانی که لندن به‌شدت به‌دنبال پیش‌بردن تحریم‌ها بود، دولت ترومن فشار اقتصادی را تهدیدی علیه ایران می‌دید و تلاش کرد کمک‌های اقتصادی را برای پیش بردن راه‌حل میانه‌ای نگه دارد. در مراحل آخر بحران، آیزنهاور، بریتانیا را برای پذیرش نظرات ایرانی‌ها تحت‌فشار قرار داد و تلویحا پذیرفت که مقادیری کمک باید به تهران تحت محاصره ارسال شود. هرچه جریان تحریم‌ها جدی‌تر می‌شد و پیشرفت‌های کمتری در مذاکرات به‌دست می‌آمد، برداشت واشنگتن از منافعش و دیدش از مصدق دچار تحولات قابل‌توجهی می‌شد. به‌موازات اینکه دغدغه‌های امنیتی تامین مواد نفتی بالا می‌گرفت توجه‌ها به امکان تحریم و نهایتا تضعیف مطلق مصدق و اعضای نزدیک به حزب توده بیشتر می‌شد. ترس آمریکایی‌ها از آنچه نهایتا هزینه‌زاترین سناریو بود بیشتر از این ناشی می‌شد که ملی‌کردن عملا زمینه را برای مداخله فراهم کرد. در طرف ایرانی هم ما شاهد ارزیابی غیرواقعی از تاثیر حذف نفت ایران از بازارهای جهانی بودیم. قدرت چانه‌زنی ایران به‌محض اینکه این کشور توان فروش نفت را از دست داد، بسیار کم شد. توان مصدق برای حفظ اقتصاد رنجور ایران باعث شده بود که نوعی اعتمادبه‌نفس فوق‌العاده در او شکل بگیرد. توان مصدق برای حفظ وضعیت نیم‌بند اقتصادی باز هم به مصدق اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌داد. جمهوری اسلامی نیز سعی کرده به طریقی مشابه به تحریم‌ها پاسخ دهد. حتی عملگرایان نیز در ابتدا برداشت درستی از چرخش توازن عرضه- تقاضا در بازار انرژی جهانی نداشتند و فکر می‌کردند که تحریم‌های جدید باعث آسیب‌رساندن بیشتر به غربی‌ها خواهد شد.

در جریان بحران ملی‌کردن صنعت‌نفت، مناقشه ایران و غرب تبدیل به بازی با حاصل‌جمع صفر برای دو طرف شد. برای طرف ایرانی پشتیبانی غرب از سقوط دولت مصدق همپای نابودکردن هرنوع تلاش برای تحقق حاکمیت ملی بود. این برداشت تنها بی‌اعتمادی ذاتی مصدق نسبت به نیات بریتانیایی‌ها را تشدید می‌کرد و امکان دستیابی به هرگونه توافقی را از بین می‌برد. موضع سخت مصدق در گفت‌وگوها باعث شد تا آمریکایی‌ها بیشتر به سمت بریتانیایی‌ها بروند و از آنجایی هم که شاه نه‌چندان مایل و مصمم به ادامه کار با مصدق بود، برای فرار از فاجعه توسعه‌طلبی شوروی به سمت قدرت‌های خارجی متمایل شد. چنین ارزیابی‌ای از موقعیت شاه میان این مشکلات باعث شد تا آمریکا از موضع یک میانجی به موضع مداخله‌گر مستقیم در ایران تبدیل شود و حتی رقبای داخلی مصدق را نیز با خود همراه کند. اینچنین بود که بن‌بست پرونده نفتی ایران زمینه را برای سقوط مصدق فراهم کرد.

تصمیم‌گیران کنونی مناقشه هسته‌ای امروز باید به نکته ظریفی که در پی‌نوشت فصل تاریخی تلاش‌های مصدق در صنعت‌نفت وجود دارد، توجه کنند. بهترین معامله شاید این است که هنوز همه طرف‌ها دور میز مذاکره بنشینند. ممکن است ما بر شباهت‌های میان بحران ملی‌کردن نفت و بن‌بست هسته‌ای بیش از آنچه باید تاکید کرده باشیم با این حال در تاریخ درس‌های آموختنی برای دو طرف وجود دارد؛ از تحریم تا ش